

## درجه

## «قهرمان» اصغر فرهادی به فستیوال فیلم تورنتو رفت

● فیلم «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی در بخش «رخداهای ویژه» امسال فستیوال فیلم تورنتو به نمایش درمی‌آید. این فیلم درام ۱۲۷دقیقه‌ای در این بخش تنها نخواهد بود و کنار «موریا» ساخته آیتچاتیونگ ویراستاکول، «اسپنسر» ساخته پابلو لارین و همچنین نخستین نمایش ویژه‌ای مکس از فیلم «تل‌ماسه» ساخته دنیس ویلنوو برای مخاطبان پخش می‌شود. فیلم‌های فرهادی، لارین و ویراستاکول همگی به‌عنوان شانس‌های بزرگ دریافت جایزه در مراسم امسال به حساب می‌آیند و به احتمال زیاد مورد توجه بیشتر مخاطبان قرار خواهند گرفت. ریز احمد بازیگر رئیس هیئت داوران مراسم امسال خواهد بود. ده‌ها فیلم دیگر از کشورهای مختلف در بخش‌های فستیوال فیلم تورنتو امسال به نمایش درمی‌آیند. از جمله آنها می‌توان از «پرنده‌گان مست» ساخته کانادا، «سالن هدا» ساخته مشترک فلسطین، مصر، هلند و قطر و همچنین «خانم خوب» ساخته آفریقای جنوبی نام برد. فستیوال تورنتو امسال از روز نهم سپتامبر کار خود را آغاز می‌کند و تا هجدهم این ماه ادامه خواهد داشت. بخشی از فستیوال امسال حضوری برگزار خواهد شد اما این درعین‌حال به معنی اعمال قوانین لغت‌سخت بهداشتی خواهد بود. برگزارکنندگان اعلام کرده‌اند که تمام ستارگان و شرکت‌کنندگان باید در مراسم از ماسک استفاده کنند و فقط در زمانی که روی فرش قرمز و صحنه هستند، می‌توانند ماسک خود را دربیاروند. فستیوال همچنین برای ورود از تمام افراد اثبات واکسیناسیون می‌خواهد. در ۲۷ بهای تمام چهره‌هایی که وارد کانادا می‌شوند، باید ۲ ساعت پس از رسیدن خود تست بی‌بی‌آر انجام دهند و این پروسه را تا زمان رفتن هر ۴۸ ساعت تکرار کنند.

## تعویق برگزاری جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی

● ۲۰ مرداد جلسه ستاد برگزاری بیست‌وهفتمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی با حضور داوود فتحعلی‌بیگی دبیر این جشنواره و اعضای آن برگزار شد. داوود فتحعلی‌بیگی در توضیح تصمیم‌های اخذشده در این جلسه گفت: به درخواست گروه‌های نمایشی منی بر به‌تعویق افتادن تمرینات به دلیل شیوع موج پنجم این ویروس در سطح کشور، در این نشست مقرر شد ازتجاکه سلامتی هنرمندان از مهم‌ترین ارکان است، نخست این جشنواره را به‌صورت آنلاین برگزار کنیم و دوم اینکه زمان برگزاری این رویداد را که ۲۶ مهر در نظر گرفته شده بود تا آذرماه به تعویق بیندازیم. ازاین‌رو بیست‌وهفتمین دوره این جشنواره از ۹ آذر آغاز خواهد شد. او در ادامه افزود: در‌حال‌حاضر تصمیم بر آن است تا بیست‌وهفتمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی به‌صورت آنلاین برگزار شود اما در صورت بهبود وضعیت، امکان آن وجود دارد تا بخشی از این رویداد به شکل حضوری نیز برگزار شود. بیست‌وهفتمین جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی به دبیری داوود فتحعلی‌بیگی آذرماه سال جاری برگزار خواهد شد.

## تعطیلی ۵روزه سالن‌های تئاتر

سالن‌های تئاتر هزمران با ایام سوگاری تاسوعا و عاشورا از روز دوشنبه ۲۵ شهریور ۳۰ مرداد تعطیل خواهند بود. این تعطیلی سراسری است و شامل همه سالن‌های تئاتر در سراسر کشور می‌شود. با شروع موج پنجم کرونا سالن‌های دولتی تئاتر تعطیل شدند که این تعطیلی همچنان ادامه دارد و در‌حال‌حاضر تنها سالن‌های خصوصی به فعالیت ادامه می‌دهند.

## رقابت «سایکو» در جشنواره «ایسلانتیا سینه‌فروم» اسپانیا

● فیلم کوتاه «سایکو» به کارگردانی مصطفی داوطلب به بخش رسمی آثار کوتاه داستانی چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ایسلانتیا سینه‌فروم» در اسپانیا راه پیدا کرد. جشنواره بین‌المللی فیلم «ایسلانتیا سینه‌فروم» (Festival Internacional de Cine Bajo la Luna) دربیادای بین‌المللی است Islantilla Cinefórums) که هر سال تیر و مرداد (جولای و آگوست) در شهر اولنوا در اسپانیا برگزار می‌شود و طیف وسیعی از آثار کوتاه و بلند را در بخش رقابتی و جنبی برای مخاطبان به نمایش می‌گذارد. چهاردهمین دوره این جشنواره دوازده تیرماه (۲۸ جولای) آغاز به کار کرد و تا ششم شهریور (۲۸اگوست) ادامه خواهد داشت. فیلم کوتاه «سایکو» به کارگردانی مصطفی داوطلب امروز بیست‌ویکم مرداد (برابر ۱۲ آگوست) در بخش رقابتی آثار کوتاه جشنواره بین‌المللی «ایسلانتیا سینه‌فروم» به نمایش درمی‌آید و برای جوایز اصلی جشنواره در این بخش به رقابت می‌پردازد.

در «سایکو» به کارگردانی مصطفی داوطلب، زن جوانی همسر خود (سایکو) را که از بیماری حاد روحی رنج می‌برد، به آسایشگاه روانی می‌برد. با درگیری لفظی میان «سایکو» و راننده، اما اتفاق دیگری رقم می‌خورد. رضا عموزاد، رؤیا حسینی و محمد نریمانی بازیگران این فیلم کوتاه هستند. پخش بین‌المللی «سایکو» به عهده «شمیدفیلم» است.

**بهناز شیربانی**؛ وقتی از آثار اقتباسی داریوش مهرجویی حرف می‌زنیم، «درخت گلایی» را می‌توان یکی از بهترین آثارش در این زمینه برشمرد. هرچند داریوش مهرجویی معتقد است در آثار سینمایی‌اش بیشتر تصرف کرده است نه اقتباس. بر همین اساس می‌توان گفت «درخت گلایی» با داشتن متنی جذاب و پرکشش و روایتی دراماتیک یکی از فیلم‌های تأمل‌برانگیز سینمای ایران است. نگاه شما به این فیلم چیست؟ این اولین پرسش ما از احمد طالبی‌نژاد بود که در پاسخ گفت: «موافقم که «درخت گلایی» یکی از بهترین اقتباس‌های داریوش مهرجویی از ادبیات معاصر ایران است. البته او اقتباس‌های موفق دیگری هم دارد. مثل فیلم‌های «گاو»، «پستچی»، «پری» و «مهمان مامان»… که آثار مهمی در سینمای ایران هستند. اما «درخت گلایی» اثر جذاب‌تر و موفق‌تری است. خیلی موافق بازی با واژه‌ها نیستم. اقتباس به معنی گرفتن یک اثر و تبدیل‌کردن به اثری دیگر است، یعنی اثر ادبی را که با واژه و اشکال ذهنی سروکار دارد، به تصویر بکشیم. به نوعی می‌توان

آن را تفاوت بین ابژه و سوبژه دانست که به‌هرحال همیشه در معادلات سینمایی به خصوص در اقتباس مطرح بوده است؛ چراکه اساسا دو نوع اقتباس داریم؛ اقتباسی کاملا وفادارانه، به این معنی که هرآنچه در کتاب هست با جزئیات خیلی مختصر، تصویری می‌شود. نمونه‌های زیادی در تاریخ سینما از این مدل اقتباس داریم که از دیدگاه من معروف‌ترینشان «بربادرفته» است که تقریبا تصویری‌شده همان رمان مارگارت میچل ست. اما شکل دیگری از اقتباس، آزاد است که در این مورد تغییراتی در شخصیت‌ها و روند داستان و حتی در فرم هم داده می‌شود که در اینجا خیلی به آن نمی‌پردازیم. اما واژه‌هایی مثل الهام‌گرفتن که آقای مهرجویی درگفت‌وگویی به آن اشاره کرده است، به این معنی است که اثری را بخوایند و حسی از آن نوشته به شما دست

بدهد و بعد بر مبنای آن حس‌وحال، فیلم‌نامه‌ای نوشته شود. اما قطعاً «درخت گلایی» این‌گونه نیست. این فیلم تطابق ۱۰۰درصدی با متن خانم‌گلی ترقی فیلم‌نامه رمان دارد. زمانی که فیلم موج نو را می‌ساختم با داریوش مهرجویی درباره اقتباس صحبت کردم. همان زمان هم اشاره کرد که با واژه اقتباس موافق نیست و به‌جای آن از تصرف‌کردن متن صحبت کرد. به این معنی که اثری را از آن خود کنی. بله کاملا طبیعی است وقتی فیلم‌ساز با یک مادیوم دیگر سروکار دارد، مادیومی که واژگانش و حرفش فریم است و کلمه نیستند، در این شرایط در دنیای تصویر می‌توان اثر ادبی را تسخیر کرد و در نهایت دریافت‌ها از متن را از آن خودت کنی و مؤلفه‌های خود را در آن دخیل کنی. کماینکه داریوش مهرجویی در هر اثری که ساخته، بخشی از تفکراتش را گنجانده است. همه علاقه‌مندان آثار او با نگاه فلسفی‌اش احساس به زندگی آشنا هستند که حتی در یک داستان خیلی ساده از هوشنگ مرادی‌کرمانی «مهمان مامان» هم این نگرش فلسفی و اجتماعی عمیق را می‌بینید. نکته بعد درمورد خود فیلم «درخت گلایی» است. پیش‌ازاین هم بارها اشاره کردم که «درخت گلایی» شخصی‌ترین فیلم مهرجویی است اما نه به این معنی که سرگذشت خودش را تصویر کرده یا بیوگرافی خودش است بلکه به این معنا که این فیلم بیوگرافی مهم‌نسل مهرجویی است. افرادی که سینما و ادبیات ایران را در دهه ۱۳۴۰متحول کردند. نسل طلایی متولد سال‌های ۱۳۱۵ به بعد که حقیقتا ادبیات، تئاتر و سینمای ایران مدیون آنهاست؛ اما این نسل سترون شده، چیزی که در فیلم هم می‌بینیم، مفهوم سترون شدن است.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: در فیلم دو باغیان را می‌بینیم که از صحبت‌هایشان متوجه می‌شویم تمام درخت‌های باغ میوه دادند، ولی درخت گلایی با همه تمهیداتی که به کار برده شده، به تعبیر یکی از باغیان‌ها بهترین کود به آن داده شده. سرلج اقتاده و بار نمی‌دهد. اشاره به درخت گلایی هم در فیلم جالب است. چرا درخت گلایی و اصلا چرا درخت

سبب نه؟ خاطرم هست سال‌ها پیش در همین مورد با آقای مهرجویی صحبت کردم و در داستان خانم کلی ترقی هم چنین اشاره‌ای هست. وقتی به گلایی به شکل وارونه نگاه می‌کنیم، چیزی شبیه قلب انسان را می‌بینیم و می‌توان گفت این قلب انسان است که سترون شده، بار نمی‌دهد و به تعبیری می‌توان گفت قلب نویسنده است. نویسنده‌ای که به باغ پدری‌اش آمده تا یکی از رمان‌هایش را بنویسد؛ چراکه جامعه از او توقع دارد و آمده تا به درخواست جامعه جواب بدهد و رمان بنویسد. اما با وجود تمام تجهیزاتی که برای نوشتن همراهش هست، قادر به نوشتن نیست. به مرور متوجه می‌شویم چرا این نویسنده دچار ناتوانی در نوشتن است و نمی‌تواند زایش داشته باشد. او دوره‌ای وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شود، دست‌کم بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بعد دستگیر و زندانی می‌شود. در نوجوانی عاشق دختری به نام میم می‌شود. دختر اسم کاملی هم ندارد. بعدها این دختر همسر خانواده‌اش از ایران

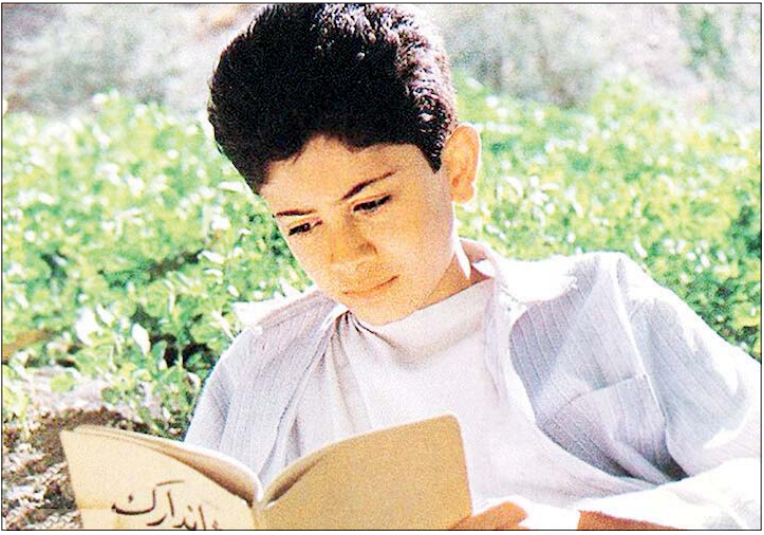
خارج می‌شود و ازدواج می‌کند. نویسنده که گرایش‌های سیاسی و اجتماعی هم دارد، به زندان افتاده و در همان زندان می‌شود که میم تصادف کرده و کشته شده است. این همان نقطه‌ای است که تمام بار اصلی تراژدی عاشقانه را در آن می‌بینیم. نقطه‌ای که می‌توان گفت عشق ترقی این نسل گرفته شده است. او بدون عشق قادر به خلق‌کردن نیست. آدمی تهی از احساس و عاطفه، مفهوم کلی این است که آنچه باعث خلق اثر می‌شود، جدا از دانش و تجربه، حس و

عشقی است که انسان می‌تواند به دیگران داشته باشد. این حس در شخصیت اصلی فیلم (نویسنده) نیست؛ چراکه احساسش از او دست داده و واضح است اگر عاشق نباشی، دست به خلق اثر هم بزنی در نهایت قابل‌قبول نیست. کماینکه آثار قبلی این نویسنده هم چنگی به دل نمی‌زده. این درگفت‌وگویی اعتراضی جوان‌های دانشجویی که نویسنده را محاصره کردند، شنیده می‌شود.

طالبی‌نژاد ادامه داد: این شرایط به نوعی حدیث نفس نسلی است که مهرجویی، کیمیایی، بیضایی، حاتمی، شهیدناث، امیر نادری و… متعلق به آن هستند. نکته‌ای که در فیلم «درخت گلایی» وجود دارد و در داستان خانم ترقی هم تاحدودی مستتر است، این موضوع است که زمینه‌های خلق اثر، نه فقط مسائل اجتماعی بلکه حس‌وحال و روح‌وروان نویسنده است. این همان بختی است که ویلیام فاکتزر به عنوان عرق‌ریزان روح در نوشتن از آن نام می‌برد. اشاره می‌کند

گفت‌وگو با احمد طالبی‌نژاد درباره فیلم «درخت گلایی» ساخته داریوش مهرجویی

# این نسل سترون شده



وقتی فردی اثری را می‌نویسد که بیشتر منظورش رمان است، به مرور دچار خشکی روح می‌شود و به تعبیری روحش عرق می‌ریزد. در نهایت می‌توان مفهوم کلی فیلم «درخت گلایی» را چنین توصیف کرد که روایتگر حدیث نفس نسلی است که حتی می‌توان آن را به نسل بعدتر هم تعمیم داد. حتی الان هم شاهدیم که بسیاری از نویسنده‌ها و افرادی که آدم‌های خلاق‌ی بودند، کیفیت آثارشان تترزل پیدا کرده است.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره تفاوت نگاه مهرجویی و کلی ترقی در تصویر «درخت گلایی» گفت: واضح است دنیا فیلم‌کم‌وبیش مردانه است و دنیای قصه خانم ترقی زنانه است. این تقسیم‌بندی زنانه و مردانه جنسیتی نیست. به‌رحال حس و عواطف این دو جنس تفاوت‌هایی دارد؛ اما واقعیت این است که خانم گلی ترقی به نوعی طرفدار زنان است و براین اساس در داستان روی میم تأکید بیشتری دارد تا مهرجویی. مقصود این نیست مهرجویی فقط فیلم‌های

مردانه ساخته اما بیشتر مردها در فیلم‌هایش مطرح بودند؛ درست مثل باقی مهم‌نسلان او. در داستان، کلی ترقی با نگاهی اخلاقی به سیراق موضوعاتی از قبیل عشق ترقی است و در مقابل مهرجویی، با نگاهی فلسفی به آن پرداخته است. این نگاه در فیلم‌های دیگرش از جمله فیلم «پری» هم دیده می‌شود. این ناشی از دو گرایش متفاوت است. خانم ترقی متعلق به طبقه بورژوازی جامعه است. دختر لطفانله ترقی که روزی روزگاری در بحبوحه تلاطمات قبل و بعد از جنگ جهانی دوم، روزنامه ترقی را منتشر می‌کرد و از روشنفکران زمان خودش بود و به‌رحال کلی ترقی یک زندگی نیمه‌اشرفی داشته است. داریوش مهرجویی از قشر میانی جامعه برخاسته و طبیعی است که دیدگاه این دو تفاوت‌هایی داشته باشد. نکته تأمل‌برانگیز این است که در فیلم، مهرجویی در زمینه خلاقیت تکنیکی دست به کارهای عجیب‌وغریبی زده، مثل فلاش‌بک و فلاش‌فورواردهایی که معمولاً در سینمای متعارف این رفت‌وبرگشت‌ها با یک کات صورت می‌گیرد؛ اما در «درخت گلایی» دوربین آرام در باغ حرکت می‌کند و لحظه حال را روایت می‌کند و به مرور دوربین آرام حرکت می‌کند و لایه‌ای شاخ‌پورک درختان نور می‌شود و به سمتی حرکت می‌کند که با تغییر رنگ و نور متوجه می‌شویم که در گذشته‌ایم و کودکی میم و نویسنده را می‌بینیم که برای تعطیلات، به این باغ و ساختمان قدیمی آمده بودند و این اتفاق از بدایع تکنیکی فیلم است. به‌رحال از داریوش مهرجویی و محمود

## هنر

کلاری انتظاری جز این هم نیست و کاری که در این فیلم انجام دادند، می‌تواند پیشنهادهی برای دیگر فیلم‌سازان باشد.

او ادامه داد: نکته دوم که باز اهمیت ویژه‌ای دارد، به‌خوب برداری محمود کلاری برمی‌گردد. بخش‌های مربوط به دوران گذشته در فیلم، رنگی مایل به زرد دارد. در روان‌شناسی رنگ‌ها، رنگ زرد نشانه‌ای از دوری و جدافتدگی است که در فیلم به‌درستی استفاده شده است. هر چیزی که مربوط به گذشته است هم به نوعی می‌توان گفت دربرگیرنده این حس خزان‌زده است که خیلی خوب درآمده و بسیار ارزشمند است. سکاسی در فیلم هست که البته در نسخه نمایش عمومی کوتاه شد. جایی که در یک بعدازظهر اعضای خانواده در خانه‌باغ خوابیده‌اند و یک پتکه برقی روشن است و صدای حاکم در فضا همان صدای یکنواخت پتکه است و درعین‌حال نفس‌نفس‌زدن‌های آدم‌هایی که خواب هستند. اما میم و پسر نوجوان بیدار می‌شوند و به هم نگاه می‌کنند و درعین‌حال که به هم نگاه می‌کنند، دستان را به سمت یکدیگر دراز می‌کنند و دست‌های آنها به هم می‌رسد و به نوعی تلاقی ایجاد می‌شود. چرخه عشق آنجا زده می‌شود. متأسفانه در اکران عمومی بخشی از این سکاسس درآورده شده و مخاطب حس‌وحال این سکاسس را با این همه زیبایی بصری آن درک نمی‌کند و این سکاسس به نوعی روایتگر آغاز یک عشق سوزان است.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به بازیگران فیلم اشاره کرد و گفت: «نقش نویسنده را همایون ارشادی ایفا می‌کند و اگر اشتباه نکنم، سومین تجربه بازیگری او بود. انتخاب او به‌عنوان نویسنده داستان قابل‌قبول است. اما ارشادی باوجود همه احترامی‌که برایش قائلم و فکر می‌کنم یکی از باشخصیت‌ترین بازیگران سینمای ایران است، حس لازم برای ایفای این نقش را در چهره‌اش ندارد. سه یاد بیاوریم بهت‌زدگی‌اش وقتی می‌شنود درخت گلایی میوه نمی‌دهد و قحدر در این سکاسس نیاز به ری‌اکشن بهتری بود، اما انتخاب بسیار درستی است. گلشقیته فرهادی اولین نقش سینمایی‌اش را در «درخت گلایی» ایفا کرد که بسیار درخشان است. گلشقیته شخصیتی سرشار از شیطنت و آگاهی میم را به‌خوبی ایفا کرده است. این خصوصیات بسیار به شخصیت گلشقیته نزدیک است. زمانی که این فیلم اکران شد، دانشگاه بابل جلسه نقد و بررسی برگزار کرد و از من و گلشقیته فرهادی هم دعوت کرد بود که حضور داشته باشیم. همسفر شدیم و در تمام طول سفر شاهد بودم که این دختر مدام مشغول مطالعه بود، البته با شیطنت‌های خاص خودش که بسیار پرازنوی است. آسانی چندوجهی و بسیار هنرمند. باید گفت شخصیت میم بسیار به گلشقیته فرهادی نزدیک بود و به زیبایی ایفای نقش کرد و یکی از زندان‌های انتخاب‌های فیلم بود. درمجموع می‌توان گفت فیلم دارای نکاتی است که هنوز کشف نشده و به نظر من حدیث‌نفسی کاملا قابل‌تعمیم است. فکر می‌کنم در آینده مثل فیلم «گاو»، این فیلم هم بازبینی خواهد شد و تحلیل‌های جدیدی درباره آن ارائه می‌شود؛ چراکه موضوع آن تاریخ مصرف ندارد.

طالبی‌نژاد در پایان گفت: نکته دیگری درباره فیلم وجود دارد و آن این است که سیاست‌بازی برای یک جامعه بسیار مخرب است. ای‌کاش به‌جای سیاست‌بازی، فرهنگ‌بازی را جایگزین می‌کردیم. اینکه نویسنده فیلم به‌عنوان یک انسان موفق به زندان می‌رود و در آنجا روحياتش تغییر می‌کند و به محض خارج‌شدن از زندان دیگر به یک چهره سیاسی تبدیل می‌شود؛ این همان دردی است که در جامعه ما وجود دارد. منظورم از سیاست، وجهی است که سهراب سمپه‌ری اشاره می‌کند «من فطاری دیدم که سیاست می‌برد و چه خالی می‌رفت» منظورم این نیست که کسی نباید فعالیت سیاسی انجام دهد، سیاست و سیاست‌بازی بخشی از زندگی اجتماعی ماست ولی به‌رحال این را می‌توان در فیلم دید که نویسنده به‌جای اینکه جوانی‌اش در زندان از دست برود، می‌توانست چند اثر ادبی خلق کند.

سال پیش ساخته شده است، قرار است در بسیاری از سینماهای پاریس و شهرهای دیگر فرانسه با شرایط یک فیلمی که تازه ساخته شده است، پخش شود. همین نشان می‌دهد که این فیلم شمول‌مور زمان نشده و اینجاست که به جمله والتر بنیامین می‌رسیم که می‌گوید روحی که در اثر هنری هست، باعث ارزش آن اثر هنری می‌شود و مرور زمان و تکرار آن را از میان نمی‌برد. بنیامین توضیح می‌دهد که عکس و سینما برعکس یک نقاشی قابل‌تکثیر است و در نتیجه تک‌بودن یک اثر دلیل اثر نیست و با این نکته است که والتر بنیامین ثابت می‌کند که زیبایی‌شناسی اثر ارزش اصلی آن است. اینجا به همین گفته والتر بنیامین می‌رسیم که ۵۰ سال بعد از ساخت «شطرنج باد»، این فیلم تمام ارزش هنری و فلسفی خود را حفظ کرده و مرور زمان و پیشرفت تکنولوژی از ارزش آثار نگاشته است. «شطرنج باد» نمونه‌های از آثار هنری ایرانی است که به ما ثابت می‌کند اگر نفرت‌ها و خصومت‌های شخصی را کنار بگذاریم، می‌توانیم تاریخ هنر و سینمای مملکت‌مان را به گونه‌ای دیگر بنویسیم. در واقع ما باید بسیاری از آثاری که تا به حال به آنها بی‌توجهی شده است، دوباره بررسی کنیم و سعی به درک آنها کنیم. برای مثال آن موج نویی که در سینمای ایران از آن صحبت می‌شود، اکثر آنهاهی که حقیقتا در تاریخ سینمای ایران، نو و پیشرو بودند فراموش شدند.

● **درباره فیلم «آتش سبز» چه خبرهایی دارید؟**

خبرهای خوبی در راه است. امیدوارم در دو، سه سال آینده تمام فیلم‌ها را بتوانیم ترمیم‌کنیم. فرابای، کاتون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تلویزیون ایران خیلی در این زمینه همکاری می‌کنند که ارزشمند است و خیلی کمک می‌کنند تا فیلم‌ها دیده شوند؛ چون متوجه ارزش فیلم‌ها هستند و هدف این سازمان‌ها این است که سینمای ایران در خارج از کشور هرچه بیشتر مطرح شوند.

یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۰

## زیر آسمان فیروزه‌ای

## میلیاردهای‌های حراج تهران را بشناسید

● ایسنا: مجموع فروش چهاردهمین حراج تهران ۴۲میلیاردو ۷۱۸ میلیون تومان اعلام شد که این رقم در مقایسه با دوره گذشته که در دی‌ماه ۹۹ برگزار شد، به‌کمتر از نصف رسیده است. چهاردهمین دوره حراج تهران عصر پنجشنبه- ۲۱ مرداد- با اجرای حسین پاکدل برگزار شد و رقم اعلام‌شده برای فروش آثار در مجموع به ۴۲میلیاردو ۷۱۸ میلیون تومان رسید. این عدد برای دوره سیزدهم ۸۷میلیاردو ۴۴۲ میلیون تومان اعلام شده بود. همچنین گران‌ترین اثر این حراجی به تابلوی نقاشی «روز و شب را می‌شمارم، روز و شب» اثر رضا درخشانی اختصاص داشت که در این دوره از حراج با دو اثر حضور داشت. تابلوی درخشانی با پنج‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان در مقابل گران‌ترین اثر حراجی سیزدهم به قیمت ۱۲ میلیارد تومان قرار می‌گیرد که متعلق به آیدین آغداشلو بود. آغداشلو در دوره قبل رکورد گران‌قیمت‌ترین اثر به‌فروش‌رسیده در حراج را شکسته بود و تابلوهای بزرگ و عظیم‌رضا درخشانی، صحنه درشت‌نمایی و وسعت‌بخشیدن به درعین‌حال که به هم نگاه می‌کنند، دستان را به سمت یکدیگر دراز می‌کنند و دست‌های آنها به هم می‌رسد و به نوعی تلاقی ایجاد می‌شود. چرخه عشق آنجا زده می‌شود. متأسفانه در اکران عمومی بخشی از این سکاسس درآورده شده و مخاطب حس‌وحال این سکاسس را با این همه زیبایی بصری آن درک نمی‌کند و این سکاسس به نوعی روایتگر آغاز یک عشق سوزان است.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به بازیگران فیلم اشاره کرد و گفت: «نقش نویسنده را همایون ارشادی ایفا

